

تفسیر از کیست؟

دانشگاه باید کانون گسترش

سیاست ملی باشد

جامعه‌ها با مشکلات بسیار دست بکری بیان است - مشکلات ای که مداریم باید در مقام قیاس با آن فزندگی که شایسته عملت ما است شناخته گردد، زندگی که دوراز هر گونه زیست و تیره روزی خواهد بود - به بیان دیگر، مشکلات اجتماعی ماعتبار است از نیازهای ملت ما - شناسائی نیازهای ملی و دریافتمن رام برآورده ساختن این نیازها از مهمترین رؤایتی است که عوامل ارشاد کننده و سازمانهای اجتماعی بجهد دارند

هیچ سازمان اجتماعی نیست که عبث و بدون سبب بوجود آمده باشد. این سبب و انکیزه و یا فلسفه وجودی هر سازمان اجتماعی سوای رفع نیازهای ملی و گشودن عقده‌ای از مشکلات اجتماعی اعی چیزی دیگر نمی‌تواند بود. بنابراین، برای بررسی نسبت به نحوه کارهای سازمان اجتماعی، برای داوری در این پاره که هر یک از سازمان‌های اداری و اجتماعی وظائف خود را به کیفیت انجام داده اند، باید نیازهای ملی را شناخت و به وابستگی های آن سازمان با موجودیت ملت و وظایفی که در پیشگاه ملت بهمده دارند آگاه .

اکنون، از مهمترین مشکلات اجتماعی‌ها، مسئله جوانان است. نسل جوانهای ماهنگز چای‌گزینی لازم را در امور اجتماعی نیافریده است و سازمان‌های ارشاد کننده نیز نتوانسته اندویان خواسته‌اند که موقعیت اساسی نسل جوان را در بنای اجتماعی ایران در نظر آورند.

بدين مناسبت آنگونه پيوندي که باید میان نسل جوان و
بنامه ها و طریقها و سازمان اجتماعی ایران وجود داشته باشد
اکنون موجود نیست.

این عدم پیوستگی خلاصه میان نسل جوان و سازمانهای اجتماعی ایجاد آمده است.

فاصله هستند، آزان که وجودشان بر از عشق بایران و پر از آرزوی های بلند پایه برای آزادگی و بزرگی این سرزمین است؛ آیا آنچه را که بنام مشکل جوانان مینامند- آنچه درا که عمارت است از حالت کنایه

جهوئی و عدم همگامی در مناهمه‌های همگانی* و اجتماعی چوانان وجود آورده‌اند و آنان که مسئولیت اداره موسسات و سازمانهای را داشته‌اند که چوانان را دردامان خود می‌کنند و پرورش میدهند شما همگامیکه در دبیر سهانها و دانشگاههای خود همیط هر ۵۰۵۰ مسخ شده‌ای ایجاد می‌کنند که هر گونه بارقه امید و کوشش اجتماعی را در آن می‌کشید، چنگو نه انتظار داری بداند امان چنین محیطی دلهای گرم و روانهای مصممه و خروشان بدامان اجتماع سر ازیر گزیر

همه شاهکار هدبیریت و نبوغ تعلیم و تربیت کسانی که ناگذون
مرا کن آموزشی و آکادمیک این مملکت را اداره کرده‌اند را این بوده
است که محیط‌های آموزشی ایران را بگانو نهائی سرد و مرده
تبدیل کنند.

انان شعاع دودر بودن سیاست را از همچوی موزشی، بمانند
شامخ ترین اصل تعلیمانی خود مورد انکاء قرارداده اند.
چنین اساس نا درستی هیرساند که، چگونه همه کوشش هایی
که در محیط های آموزشی می یابند ما صورت میگیرند . جزاً این نتیجه ای
خواهد داشت که فرد را از یکی که اجتماع خود بکسلد ، بارقه های
آرمانهای اجتماعی را در نهاد او خاموش سازد و او را به عنصری
سایوس ودل هر ده تبدیل کنند که هر کاه ضربات مدعاش این نظام
آموزشی همه وجود اور اخرد و بی تمدن ساخته باشد ، فقط بدنبال
صالح فردی خود و تمنیات شخصی خویش روان گردد . بقیه در صفحه ۴

تقریبیات کیمی

تنهی ساره برای دفاع از چهار هیلیون سیم
سی و شش کشور افریقائی سر
عام قدم پیش نهادند و اقداماتی
کی علیه چپاولکران مهاجر
بصورت دولت شورشی یان اسمیت
و دزیای جنوبی قد علم کرده اند
زدند و دند. سی و شش کشور عضو
ماه وحدت کشورهای افریقائی
لام کردن که هر کاه دولت
ملیس تا روز پانزدهم دسامبر
روز دیگر) حکومت یان-
بیت را در رودزیا منگون
دد کشورهای افریقائی مناسبات
در را با انگلیس قطع خواهند
شورای وزیران سازمان
ت کشورهای افریقائی پس از
ساعت مذاکره پیرامون مسئله
زی اقطعلمای اتصویب آرد که

گودستاون شیخ محمد اوز

در اینجا صد نفر هم نژاد کردند و محاکمه در زیر توده های خاک زنده بگور شدند —
کسی از آنها خبر نداشت — هیچ کس نمیدانست که این عده صد نفری در گها زندانی شدند —
قمع حذف شد — داشتن موقتاً ایمنی

نامه‌ای پرسوز، تکان دهنده،
کی از رنج و اندوه بسیار
موی برادری کرد به «خاک و خون»
متاده شده است. نامه‌ای است
کوششی از جنایات استعمار.
خاک و خون:
جه آنند گانش،

Teng et al.

حَكْمَتِش

<p>در زندگی و فرهنگ آریائی ملت ایران، «اسب» ابن حیوان نجیب و تین تله همواره جای بسزائی داشته است - داستانهای اساطیری و ملی ما با نام اسپا نی باشد چون در خشی، «دشیدیز» و «قرآن» که نخستین، اسب بادپرای رست است و دومی اسب شاهوار خسرو پروین و سومی اسب تیز تک و راهوار لطفعلی خان زند آشنا است</p> <p>بی شک در ادبیات ایران درباره اسب بیش از هر حیوان رام دیگری سخن بیان آمده که این خودنمودار اذاین و طرز ازدیشه این ملت است - آکنون شعریده اکه محمدزاده‌ی شاعر شیرین سخن و پر مایه هم بنام «اسب و سوار» سروده است و باروشنایی بسیار احساس و تفکر ایرانی را نسبت بایسب و سوار کارش بیان داشته به قل از روز نامه گرامی فردا درج مینماییم :</p> <p>* یال افغان ، پادشاه تیز تک اسپش از صحراء و هامون بر گذشت آتش نهل سمند صخره کوب از ستیغ همه واز اختر گذشت</p>	<p>اصبحه اول</p> <p>اسب و سوار</p>	<p>نامه‌را اشغال می‌کند ولی اگر دف‌های خاک و خون توجه شود نکته نمودار می‌گردد که اندگان خاک و خون منظوری رشاد نسل جوان و همه گروههای این کشور در دوران فرماندهی با خاک و خون پیدا و ندی ستنی برقرار کرده اند، د و انعکاس افکار و عقاید در باره روز نامه مورد دستشان اقع کمترین تماس فکری‌ها با ندگان عزیز می‌باشد.</p> <p>بقیه در صفحه ۳</p>
--	--	--

صحنه اول

اپ و سوا

پیشک در ادب

از آئین و ط

بسام د اسپو
کارش پیار، دا

١٦٤

اسپش
آتش

از سایر

1

مردم و صنایع نفت ایران چرا بیش از هشتاد و بیست و سه هزار

نهاش از نمایشگاه صنایع نفت دیدن کردند
نشان میدهد هر دم این سر زمین تا
چه اندازه پس از عملی شدن صنایع
نفت به این میراث طبیعی میهون خود
و تمدن کوششای هم میهنه آن خود
توجه دارند.
این رقم که خوبیختانه با
دستگاههای دقیق کنترل کننده
که از طرف شنکت ملی نفت ایران
رویدرهای ورودی نصب گردیده
بقیه در صفحه ۴

طبق اعلام اداره روابط عمومی
شن کت ملی نفت این تاریخ جمعه
۱۲ آذرماه بیوش از هشتمد و
بیست و سه هزار تن از میهنان ما
نمایشگاه صنعت نفت ایران را در
نمایشگاه کالاهای ایران مورد
بازدید قرارداده اند.
بنظر رما ابن رقمی گویا،
افتخار آمیز و هدایت کننده است.
رقمی است گویا بدان سبب هم

نیزد آن خون که نزد برده پاسداری نیزد

چک و خون

چک و خون

یکشنبه - سهشنبه - پنج شنبه

دارندۀ امیاز و مدیر محسن پزشکپور

سر دیر سهشنبه شانزدهم آذرماه ۱۳۴۶

محل اداره میدان پهارستان تلفن - ۲۲۸۹
بهای آگهی : صفحه اول سطری ۵۰ ریال صفحه آخر
سطری ۴۰ ریال صفحات داخل سطری ۳۰ ریال
چا بخانه همراه این تلفن ۳۹۱۳۶ تلفن ۴۷۰۰۰

پیغام نعمت حقا

چنین گامهای ڈھنپ خشی را شتیانی کنند درسکوتو ایهام انگریز
بس پرندہ چرا باید آن که زمان دولتی بسکانه آشکارا دم از تجاوز
بر حقوق تاریخی ملت ایران نمی‌نذ و جنگل خون آلوخ خود را سوی
آبها و ساحل هاووس زمین های میهن مادرانه میکنند، محیط‌های آموزشی
و بویژه داشکاهها به هیجان نیاید و تبدیل بکاتانهای پر خوش
برای دفاع از پرنسیب ملت ایران و حقوق تاریخی این سرزمین
نکرد .

پاسخ این پرسش‌ها که دلائل غیر قابل انکار توجه این انتقادات
با سازمانهای آموزشی و اداره کنندگان و گردانهای محيط‌های
آکادمیک ایران میباشد جن این نیست که هم‌واره کوشیده اند
با اصطلاح «دانشگاه‌ها آرام و ساکت و داشجویان»
باشد ... اما نکته اساسی اینجاست. بفرض آنکه شما با توسل بهم
نوشت در صورت قطع روابط قابل توجهی کاوش خواهید یافت با انگلیس
انگلیس ازین موضوع سخت نکران شده‌اند.

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

●

صد گونه تماشا

صحنده دوم - من سالهای زیاد است که معتقد شدم آنچه که امروز مغرب زمین دارد، اینهمه صنایع و اختراعات و ابتكارها بیدیده، هرچند عالم و چادر صنعت و چهدر بحث و پژوهشی و ادبیات و ریاضیات، همه رشتهای شرقی دارند و یادمان است که در مشرق زمین اولین سرزمینی که هدف و بنیان گذار تمدن چهان بوده، ایران زمین و اولین معلمی که خوان نمدن سقراط و ملک دیگر را آزادانه به خود نهاد و بردن بینهایش فراخوانده است، ایرانیان بوده‌اند.. هنگامیکه اصفهان را باخاطره‌های خوش ترک، میکردم در آنبوس مسافری، پیرامون دینه‌ها و شنیده‌های این شهر، باسافر به لودست خود، بعثت داشتم و گفتگوهای ما با فیجاری سید که اولین مختصر ضبط صوت در دنیا، مردم اصفهان بوده‌اند و آنها صدھا سال پیش، قل از آنکه الکتریسیته معنی امروز کشف شود و از روز برق بر این برق کن که خود را از خود برق کن در آوردن کارخانها، ماشین‌ها و گرد و نهاد استفاده توان کرد، ضبط صوت داشته‌اند این دستگاه را چنان پایه‌هار و استواری ساخته‌اند که هنوز تغییر و تحول‌های گوناگون و بست مل مختلف جهان در ساختمان و طرز کار ضبط صوت سهی اکثریکی، توانسته است پیا به آن برسد و مشابه آنرا، با کمیت و کیفیت که دارد، پدید آورد.

در عمارت عالی قاپوی اصفهان، که باید بگویم اگر برای حفظ و نگهداری اش همت نگمارند، فناش نزدیک است، نمونه‌این ضبط صوت هست.. هنگام دیدار از این ساختمان عالی برایم گفتند که در سال پذیرای این بنا، ابتدا گروهی از رامشکران و نوازندگان و خوانندگان بر نامه خود را اجرا میکردند و آن دنبه، شامیا حکمران وقت بدن حضور رامشکران، به سالون عیا مدد و سازو آوازی را کمدتی قبل نوخته و خوانده شده بوده است، با همان کیفیت ووضوح، میشنیده و این صدھا از خفره‌ها و سوراخ‌های دور ادور این بنا بگوش میرسیده است چگونه، باجه مکانیسم و چه حکمتی، بخشی است که باید اهل فن بدان پیدا شود.

صحنه سوم - در صفحات روزنامه‌های مختلف استان گیلان (که روزنامه‌های وزین و خوبی دارد) مژده تشکیل اتحادیه روزنامه‌نگاران محلی را خواندم و لذت بردم، یادتان هست که از پیش بود وضع مطبوعات شهروستانها و تحولی که در جا و نوشت برآورده است، تماشگری کرده بودم، این یکی از آنهم جالب تر است. ذیرا وجود اتحادیه‌های صنیع او این خاصیتی اینست که اعضا اتحادیه از بسیاری مشکلات دور میکنند و هنر گونه اختلاف را میکنند.

موجب بروز حادث و وقایع ناگوار بشد از میان می برد و شان مقامی را که هر دسته و صفتی است، پایان میدهد.

اطمینان دارم که روزنامه نگاران عزیز گیلانی - که همانند همه مردم شمال قلبی باکور و خوش آزاده واراده‌ای رایخ دارند، این اتحادیه را بصورت نمونه در خواهند آورد و موجب خواهند شد پاره‌ای بی خرمتیها که گاه گاه نسبت به مطبوعات میشود، برای همیشه کنار گذاشده شود.

امیدوارم این کار تحسین آمیزه‌های از جمله گیلانی درس و سرهشی برای روزنامه نگاران عزیز فارس و خراسان و آذربایجان و دیگر استانهای ایران بشد.

صحنه آخر - بحث از اتحادیه و همانکی و همکاری پیش آمد، این شعر جالب را از مرز بان قارسی برایان انتخاب کرد که حسن خاتم تماشگری این همکاری باشد تا هفته آینده، که اگر عمری بود و باز خدمت رسیدم، مارا بخیر و شمارا بسلامت، باین اشعار یاران همم نامداده شده است.

گل در رخ می‌جنان بخندید
نگاه بهمه دهان بخندید
کاند تنس لاله، جان بخندید
یاقوت، میان کسان بخندید
در روی گل جوان بخندید
جان تازه شد و چهان بخندید

● **یاران همدم**

ساقی لب جون می‌بگشاد
شد باز نزدنه اش چنان خوش
بالاشه عقیق هر هی جست
می‌بیزندزهادی، ارجه پیراست
وز خندیده این دو یاران همدم

● **پس اگر مردم ستایش**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ می‌روند تنهای بیک دلیل است و آن عمارت است

از بی حالت و ای خیالی دستگاههای هسکول تربیت مردم این همکاری می‌گشند

که با تعلیم صحیح تاریخ در مردم احساسات مشترکی را زندگانی و زندگانی دارند.

را زندگانی و بیدار نگه دارند.

این دستگاهها موظفند که همراه با اموزش حقوق تاریخی

سلت ایران بر کوکان و چوانان چهاره داشتند.

اینکه هزار آن دانشجو

و دانش آموزها بی خیال و بی تفاوت چند و روز دیگر،

چهاره مرد عربی را گله در نقش چنگیز خان ظاهر شده است با تجدید وستایش خواهند نگرفت.

● **محکوم گنده است برای دستگاههای**

خونخوار عالم پسری را شاهزاده فانچان بنامند، تحمل می‌گشند

با خونسردی بدیدن این همکاری می‌گشند و کوکان از جنایت

شقی تاریخ

فرار نیروهای

میکردن و عقیده داشتنده بمنظور همکام شدن با ترقیات مغرب زمین باشد که از جوانان پکشور غربی برند و معارف آذان را بیاموزند و با این را بازگردند.

و این اندیشه در دوره های مختلف، گروههای متعدد از

جوانان را بکشورهای خارج فرستادند و با ترقیات سنتادقی که بهترین نمونه آن در زمان رضا شاه پزیر معمول میکشتند

تحصیلات آنان هر افتکر کردند و غالباً آن مخصوصان بس از بازگشت

بنکارهای فنی حساس هر داشتند و دین خود را ادا کردند. پس از

وقایع شهیور رویه سرمهی استخارت خارج گردید. بعدها

دکر گون گشت اعزام محصل بخارج از نظرات خارج گردید. بعدها

عدم اطمینان ظرفیت دیراستانها با نیازمندی کشور و کمی گنجایش

دانشکارهای داخلی هرسال آن عده اندیشه ها که در این اشغالی

نمیافتدند و برای این ممکن بود. راه دیار خارج را پیش میکفتند

و آنکه از نیازمندیهای کشور خود آگاه باشد که آنها را راهنمائی

دستکاری از این نیازمندیها مطلع باشد که آنها را راهنمائی

کنند، هر یک بنابراین اتفاق و یا تبعیت از شایعات رشته تحصیلی برای

خود انتخاب میکرند.

این فرار نیروی انسانی بسوی هدفهای نامشخص و بسوی

سالهای سرگردانی، منحصر بقایع التحصیلان دیراستانها نبود.

در سینهاین پائین نیز گروهی از کودکان این کشور بسبب چشم و

چشمی طبقات مرغ و گاه بسبب اختلافات خانوارگی بدست مدارس

کشورهای بیگانه سپرده همیندویهی از آن باسروش های شوم

ورقت بارگرامی گشتهند

فارغ التحصیلان دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

آورده اند.

چون نیازمندی کشور بطور دقیق آشکار نیست و موسماتی

که باید فارغ التحصیلان را بکار گیرد به رستی سازمان نیافتند

و در سراسر کشور گسترش پیدا نکرده اند فارغ التحصیلان دانشگاه

نیز بتوه خود بایکنند. از جمله اشکالاتی که در سالهای اخیر

رخ نموده است این نکته است که نسبت کسانی که باشد از فارغ

تحصیل دانشگاه بکار پردازند و کسانی که باشد از فارغ

تحصیل شوند آنکه این فارغ التحصیلان درمانی و بهداشتی هایشند

اینکو نه سازمانها باید بوسیله پزشکان عمومی مجذوب شود.

دانشگاههای کشور دستگاههای مسئول به تربیت طبیب عمومی و

هر اکثر رستaurان تووجه ندارند.

غالب فارغ التحصیلان دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

که جوانان ما طالب تحصیلات تخصصی باشند ولی هر کار اندازه ای

دارد و اگر ادامه اینکنونه تحصیلات با توجه به نیازمندیهای ملی

صورت نگیرد بخارطه ایکنند. نتیجه این نکته است که باشد از فارغ

تحصیل دانشگاه بکار پردازند و کسانی که باشد از فارغ

تحصیل شوند آنکه این فارغ التحصیلان درمانی و بهداشتی هایشند

اینکو نه سازمانها باید بوسیله پزشکان عمومی مجذوب شود.

دانشگاههای کشور دستگاههای مسئول به تربیت طبیب عمومی و

هر اکثر رستaurان تووجه ندارند.

غالب فارغ التحصیلان دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

که جوانان ما طالب تحصیلات تخصصی باشند ولی هر کار اندازه ای

دارد و اگر ادامه اینکنونه تحصیلات با توجه به نیازمندیهای ملی

صورت نگیرد بخارطه ایکنند. نتیجه این نکته است که باشد از فارغ

تحصیل دانشگاه بکار پردازند و کسانی که باشد از فارغ

تحصیل شوند آنکه این فارغ التحصیلان درمانی و بهداشتی هایشند

اینکو نه سازمانها باید بوسیله پزشکان عمومی مجذوب شود.

دانشگاههای کشور دستگاههای مسئول به تربیت طبیب عمومی و

هر اکثر رستaurان تووجه ندارند.

البته باید از فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

فارغ از تحصیل در صدد عزیمت بکشورهای خارج بخصوص امریکا

برای یعنی هیچکس مخالف آن نیست.

این باره فارغ التحصیلی دانشگاه نیز مسئله ای ویژه خود بوجود

بدون طی دوره تخصص تحصیل اشنان ناقص است و چون همه آنها

نمیتوانند دوره تخصص خود را در ایران بکار گیرند بلطفه ای

راه پیر و زی

ما پیشی میدانیم که انجام این مهم بسادگی میوریست.
وشنan بسیار ملت مارا احاطه کرده‌اند در آنها
خشکی ها، در ساحل ها و دریاها، توفتهای دشمنان درینه
ملت ایران هر روز بزرگی نوادر لیاسی دیگر خود را نمی‌کند.
پس ملت ایران، برای ایجاد روابط و آرامانی بزیر خود.
راهی می‌باشد طولانی و نبردی پس فظیم در پیش دارد.
مازهم کنون مبینه‌یم که برای جلوگیری از ایجاد
تحول و تکامل در زندگی ملت ایران چه عوامل تابکار داخلی
و خارجی دست در داشت یکدیگر برای سازمانی سازی ساز
کردند.
در این نظر بزرگ برای زندگی شایسته ملت ایران
چگونه پیروز توانیم شد.
مازوهمها و ماهی و سالهای بسیار با خاطرداریم آنان
که دم اندوستی پاما میزند، برای حفظ منافع خود چه
بسار از اتفاقات کناره‌اند - چه سما از کمک های اولیه نیز
بعا خودداری نمودند.
چه تضییں و اطمینانی هست که در حواله دشمنان
آنند ما از حمایت آنها که بنا و عده حمایت و همکاری می‌
دهند پر خودداری باشیم.

به حمایت از همبارزان کود

نامه‌هایی از سوی آزادگان ایران پیرست

روزرا در سنگرهای نبرد پیش است
میکند از نامه‌های پرسنل از سوی
همه میهنان عزیز بدفتر خاک و خون
هر سر.

خط مشی آگاهان خاک و خون
در راه شناساند ملت ایران با
همه موجودیت نازیخی و فرهنگی
اش باعث آشند است که هم-
آمنکی وهم فکری خاص میان
همه گروههای اجتماع میهن ما
بوجود آید.
امروز هم خواهند کان خاک و
خون در سراسر ایران نخواه -
اندیشیدن و نفکر شان برمود
نایسیونالیسم ایران و شناسانی
کامل حقوق و منافع ملت ایران
است و بهمین دلیل خوائندگان
خاک و خون، در خوزستان و در آذربایجان و در خراسان و معهچای
ایران بیکران رزم گرانی را که
کردن بر وحدت برای گسترش
قیه در صفحه ۴.

از: گامبیز
صنایع پتر و شیمی
سیمه‌های درخشانی
از «ایران صنعتی»
فرار داد نهانی پتر و شیمی
اعضاء شد. وقتی که پیش لویس آبن
قرارداد با اعضاء رسیده بود، نظر
خود را بدان داشتم و امروز پیش
که فرادراد تأسیسات عظیم پتر و شیمی
را بایک شرکت خارجی در آن
اجرا می‌بینم نمی‌توانم شادی و
خوشحالی خود را باز کنم.

بقیه در صفحه ۴

دنبله مقاله

حقیقت اندیشه
افتر فایمیو نایلیسم
بعملت تراکم مطالب
به شهاده آینده
موکول شد

از: تماس اگر



قاره‌سیاه بر علمیه یان اس‌میت یاغی
قاره‌سیاه برای آزادگی بی‌امی خیزد گوشه‌ای از تظاهرات عظیمی که برای از هم گسترن زنجیرهای استعمار و در هم شکستن
نظام یاغی یان اس‌میت برگزار شده است

نقل از: نایسیونالیسم

از: دکتر فضل اللصلد

سفیران واقعی ملت ایران

پان ایرانیست هادور از ایران از حقوق ملت ایران دفاع می‌کنند

اعتراض پان ایرانیست‌های مقیم آلمان به مجله آلمانی «فتیل»

شماره ۲۵ اثریه «نایسیونالیسم» مبارز و ایرانیست برای اعدام از
رگان دانشجویان یان ایرانیست حقوق ملت ایران.
مادر شماره‌یه پست هارسیده است -
جون شماره‌یه پیشین پن اس از
خبرهای کوشش‌های این دلیران بقیه در صفحه ۳

صر کونه سا ش

صفنه اول - قمه پست قمه مکر و همکانی است - یکی از گرفوارهای
روزمره مردم این مملکت مشکل پست است - ناهه می‌فرستند نهاده سدوا رسانی
می‌سند که نویسنده نامه گیر ندهدرا ملاقات نموده و مطلب را با او در میان گذارده
است - تلکراف می‌فرستند، پس از گذشت روزهایی از آن زمان که فرستنده تلکراف
می‌خواسته است قصد و نیت خود را بیان کند میرسد - اکنون خواننده گرامی را به تعماشی صحنه
شکایت روزنامه گرامی پیام آذر بایجان می‌بریم که به پست مبارکه که مقدمه است که موضوع حقیقت است
و در این مقام نیست که نان کسی را ببرد - اکنون شکایت پیام آذر بایجان
پیوهت سیراب تجدیدنظر کند
من خداوند عالم - رخیقات را شاهد قرار دیدم که در تو شن موضع زیر حقیقت ناراحت بوده
و هر گز حاضر بیست نان کسی بزیده شود.
ولی از نظر وظیفه اجتماعی و اینکه شاید بین وسیله تو انسه باشیم ماموری را که در انجام
وظیفه خود کوتاه می‌کند راهنمای نایم ناگزیر به اداره پست و تلکراف سراب تقدیر
دهم که موضع ایشان اکثر اوقات نامه‌ها و بخصوص روزنامه‌هارا به صاحبان اشاره تسلیم نمی‌کند و در آنجام
وظیفه قصور می‌ورزد.

نگل و خون

شماره ۲۷۵
نقل از: نایسیونالیسم (۱۶)
نشریه حزب یان ایرانیست
در اروپا

مباحث نایسیونالیسم

پاسخ به: آدمیزاد
مدعيان دروغین مبارزه با استعمار

بجای هم‌آهنگی با نهضت ملت ایران برای خلیع بد از شرکت سابق نفت شعار
افزایش چیره بین کارگران رامطرخ می‌ساختند!

غرب مخالف است

دشمنی استعمار با صنایع منگین در ایران

یکی دیگر از قسمتهای بسیارهم مصاحبه شاهنشاه آرامهر
این نکته است که به نقل از آقای نخست وزیر تایید فرمودند که
غیرمعتقد است گه ایران نیازی بکارخانه‌ذوب آهن ندارد ...
شاهنشاه بایان این نکته با این صراحت و روشنی، پردازد از
ایهام را که سازمانهای حاکمه ایران بر رزوی واقعیات تاریخی بکن
آخر میهن ما کشیده بودند پکنارزند.
بیش از یک قرن است که در این اتفاقات گوناگون و بجهات گوناگون
سیاست سازمانهای حاکمه ایران این مفهوم را پیش از حد مقول گردید و بستگی
به میاستهای استعماری مغرب زمین داشته است.

در حالیکه در یک قرن اخیر ملت ایران هر چند صلح شاهد
تجاویز نموده اند آشکار سیاست‌های استعماری غرب موجود است و حقوق
تاریخی خود بوده است - در حالیکه سیاست‌های غربی اغلب در پیش از
گوناگون و بخصوص در احاظات پیرانی تاریخ بحایت از دشمنان
ملت ایران برخواسته اند و غالبا هر مجواز بحقوق ملت ایران را
تایید و پیشنهاد نموده اند، مع الوصف عناس مسئول و اداره کنندگان
سازمانهای حاکمه چشم‌گشته و گوش می‌زنند در اختیار سیاست‌های
غیر قابل اراده اند.

بدین چهار شرایطی ملت ایران و حقوق اساسی
وابسته بیمهون ماقر بانی مطامع سیاست‌های استعماری غرب
است و دولت‌های غربی بجای رعایت صلاح و منافع ملت ایران و
بجای آنکه کوشش کنند بر نامه های سیاسی خود را با صلاح و
خواستهای مطلق به نیازمندیهای ملت ایران، با این فشار می‌گذارند.
در هر هنگام که مصالح آنان ایجاب می‌کنند بدون آنکه توجه نمایند
ممکن است بارهای خود را انجام دهند مارا قربانی مطامع و مصالح آنی
خواستهای خود نمودند - در هر شرایطی که برای آنان ایجاب می‌کند
مارا اشغال می‌نمودند، برای تجنیب سرمهین ما بایکدیگر قرارداد
می‌ستند، چه در جنگ‌جهانی اول در جنگ‌جهانی دوم، در حالیکه
ایران بیطری خود را اعلام داشته بود، سرمهین مارا شغل نظامی
نمودند و از قتل و غارت و چاوله‌تی ما و درهم بختن اساس اقتصاد
ملی ایران خودداری نکردند - در سالهای اتفاق این تفاوت استند
هر گرد تکش و تجنیب طلب و فتووال و خود کارهای ایرانی گرد نکشی
و تجنیب طلبی حمایت و تشویق نمودند. در هر فرضی که تو استند.
فساد و انحطاط اخلاقی و سیاسی را رواج دادند و در همان شرایطی
که سازمانهای حاکمه و عنصر ضمیف و ناتوانی گذشتند جانبداری می‌نمودند.
در آپاورد خشکی ها - در داخل ایران و دور از ایران خواسته ها و مقامات
با هر کوشش و تلاشی که برای ترقی و رفاه ملت ایران صورت می‌گرفت
سرستین و ناسازگاری داشتند.

همیشه، با همان عای غیر منطقی و بی انصافانه از هر اقدام اساسی
که برای ایجاد ایرانی آباد و آزاد و نیزه مدت صورت می‌گرفت
ممانعت عمل می‌آوردند. لزومی ندارد که برای بیان این واقعیات
نمونه ای خاص داشت که این از این دلیل است - سراسر تاریخ یک قرن اخیر ایران
عبارت است از این تلثم و ستم سیاست‌های استعماری بملت ایران
وسکوت و تسامع و تسلیم سازمانهای مسئول حاکمه برای این
سیاست‌های تجاوز و استعماری.

موردی که خود بستر روشی از همه اموال و
مقاصد استعماری غرب در ایران زمین می‌باشد، همین
مبارزه عمیق و بی‌گیر سیاست‌های غربی برای جلوگیری از
از ایجاد صنایع ذوب آهن و در نتیجه جلوگیری از
صنعتی شدن ایران است.

«قالش برای صنعتی شدن ایران، داستان غم‌انگیز قرن
ما است - داستان غم‌انگیز کوشش‌های دلیرانه ملتی است برای
بقیه در صفحه ۴

از: دکتر فضل اللصلد

از: دکتر عباس روحی

